

نقش رذیله اخلاقی ترک امر به معروف و نهی از منکر در سست شدن بنیان خانواده ها

رقيه على يارى^۱

چکیده

امر به معروف و نهی از منکر از جمله فرایض اخلاقی و دینی است که جایگاه برجسته‌ای در آموزه‌های قرآنی و سیره معصومان علیهم‌السلام دارد. این پژوهش با هدف بررسی آثار ترک این فریضه در فضای خانوادگی انجام شد و تلاش کرد تا از منظر مفهومی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، تأثیرات بی‌توجهی به این مسئولیت اخلاقی را در تضعیف بنیان خانواده‌ها تحلیل کند. در ادامه، پیامدهای ترک این فریضه مورد توجه قرار گرفت. از جمله این پیامدها، می‌توان به انفعال در برابر رفتارهای نادرست، کاهش مرجعیت اخلاقی والدین، عادی شدن گناه و سستی باورهای دینی، و در نهایت، افزایش نارضایتی، تنش و فروپاشی خانواده اشاره کرد. تحلیل‌ها نشان داد که ریشه بسیاری از اختلافات زناشویی و تربیتی، به نبود فضای اصلاح‌گرایانه در خانواده بازمی‌گردد. بر اساس منابع اسلامی، تنها با احیای این فرهنگ می‌توان از فرسایش پنهان روابط درون‌خانوادگی پیشگیری کرد. بر لزوم تقویت فرهنگ اصلاح‌گری، گفتگو و مسئولیت اخلاقی در خانواده تأکید شده و راهکارهایی برای ارتقاء جایگاه این فریضه در سطح خانوادگی پیشنهاد گردید.

کلیدواژه‌ها: امر به معروف، نهی از منکر، خانواده، تربیت اخلاقی، آسیب‌شناسی اخلاقی، اقتدار والدین، شکاف نسلی، فروپاشی خانواده

^۱ طلبه سطح دو حوزه علمیه الزهرا شهرستان خوی

مقدمه

در جهان معاصر، نهاد خانواده با چالش‌های متعددی در عرصه اخلاقی و اجتماعی مواجه شده است. یکی از عوامل پنهان اما بسیار مؤثر در این فرایند، بی‌توجهی به آموزه‌های اخلاقی بنیادین اسلام نظیر امر به معروف و نهی از منکر است. این دو فریضه نه تنها وظیفه‌ای فردی و اجتماعی‌اند، بلکه نقش بنیادینی در پیشگیری از فروپاشی اخلاقی و آسیب‌پذیری نهاد خانواده ایفا می‌کنند. از این‌رو، ترک آن‌ها را باید نه صرفاً یک کوتاهی فردی، بلکه یک رذیله اخلاقی ساختاری دانست که بنیان خانواده را به تدریج فرسوده می‌سازد.

خانواده به عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی، نیازمند نظارت اخلاقی درون‌ساختی است تا از انحراف اعضا، بروز تعارضات مکرر و تضعیف اعتماد میان همسران و والدین با فرزندان جلوگیری شود. ترک امر به معروف و نهی از منکر در این سطح، به معنای عقب‌نشینی از مسئولیت تربیتی و اخلاقی است که پیامد آن، تبدیل شدن فضای خانواده به محیطی خنثی، بی‌تفاوت یا حتی آلوده به آسیب‌های رفتاری خواهد بود.^۱

با نگاهی به آموزه‌های قرآنی و روایی درمی‌یابیم که امر به معروف و نهی از منکر، نه فقط در سطح اجتماعی بلکه در فضای خصوصی خانواده نیز ضرورتی انکارناپذیر است. چنان‌که امام باقر علیه‌السلام فرمودند: «هر کس امر به معروف و نهی از منکر را ترک کند، همچون مرده‌ای در میان زندگان خواهد بود».^۲ این بیان، جایگاه حیاتی این فریضه را در حیات معنوی جامعه و خانواده برجسته می‌سازد.

مطالعات اجتماعی و جرم‌شناختی نیز بر این نکته تأکید دارند که نبود نظارت اخلاقی در خانواده، زمینه‌ساز تکرار آسیب‌هایی چون خشونت خانگی، فرزندآزاری، اعتیاد و سستی روابط زناشویی است.^۳ به بیان دیگر، خانواده‌ای که در آن اصلاح‌گری اخلاقی از میان رفته باشد، به راحتی در برابر هجوم عوامل بیرونی آسیب‌پذیر می‌شود و انسجام درونی خود را از دست می‌دهد.

^۱ ابراهیمی، راهکارهای تقویت و نقش خانواده، ص ۴۵؛ منوچهری، نقش امر به معروف در پیشگیری از جرم، ص ۳

^۲ مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۳۲۲

^۳ ستوده، آسیب‌شناسی اجتماعی، ص ۶۳؛ حاجی ده‌آبادی، رویکرد فقهی به آسیب‌های اجتماعی، ص ۱۲۷

از منظر مفهومی نیز، واژه "ترک" در بُعد اخلاقی، دلالت بر بی‌اعتنایی عامدانه دارد؛ یعنی فرد با وجود توانایی در تذکر و اصلاح، سکوت را برمی‌گزیند. واژه "رذیله" در لغت به معنای پستی، سقوط و دنائت است و در علم اخلاق به صفاتی اطلاق می‌شود که ضد فضیلت‌اند و انسان را از کمال بازمی‌دارند.^۱ از این رو، «ترک امر به معروف» نه تنها فقدان یک عمل نیک، بلکه تجلی یکی از مصادیق انحراف اخلاقی در انسان است.

در پرتو این تحلیل، مسئله اصلی مقاله آن است که چگونه ترک این دو فریضه، به‌عنوان یک رذیله اخلاقی، زمینه‌ساز فروپاشی تدریجی ساختار خانواده می‌شود؟ و چگونه می‌توان با احیای این آموزه الهی، نوعی بازدارندگی در برابر انحرافات درون‌خانوادگی ایجاد کرد؟

پاسخ به این پرسش، هم نیازمند تحلیل مفهومی از منظر قرآنی-روایی و هم بررسی آثار فردی و خانوادگی این رذیله در جامعه امروز است. بنابراین، مقاله حاضر بر آن است تا با رویکردی تحلیلی-استنادی، جایگاه امر به معروف و نهی از منکر را در بستر خانواده بازخوانی کرده و نشان دهد که غفلت از این مسئولیت اخلاقی چگونه به تنش، بی‌اعتمادی، فساد رفتاری و در نهایت، سستی بنیان خانواده منجر می‌شود.^۲

^۱ راغب اصفهانی، مفردات، ص ۳۵۶؛ قرشی، قاموس قرآن، ج ۳، ص ۲۱۲

^۲ صافی گلپایگانی، راه اصلاح، ص ۱۹؛ غفاری‌فر، نظارت و کنترل اجتماعی، ص ۱۰۵

۱. مفهوم‌شناسی

به تحلیل و تعریف مفاهیم کلیدی «معروف»، «منکر» و «اخلاق» از منظر لغوی و اصطلاحی، می‌پردازیم:

مفهوم‌شناسی واژه «معروف»

در منابع لغوی، «معروف» از ریشه «ع-ر-ف» گرفته شده که به معنای شناخت، شناسایی و آنچه شناخته‌شده و مورد تأیید عقل و عرف باشد، آمده است. ابن فارس در مقاییس‌اللغه اشاره می‌کند که «معروف» دلالت بر چیزی دارد که مورد شناخت ذهن و پذیرش قلبی انسان قرار دارد.^۱ راغب اصفهانی نیز در مفردات الفاظ القرآن می‌گوید: «المعروف اسمٌ لكلِّ فعلٍ يعرف حسنه بالعقل و الشرع»؛ یعنی هر کاری که عقل و شرع آن را نیکو بدانند، «معروف» نامیده می‌شود.^۲ در اصطلاح قرآنی و فقهی، «معروف» به معنای هر فعل و رفتاری است که بر پایه شرع مقدس، عقل سلیم، و عرف عقلا نیکو و پسندیده باشد. قرآن کریم بارها در کنار «نهی از منکر»، به «امر به معروف» توصیه کرده است؛ زیرا معروف حافظ ارزش‌های دینی و اخلاقی در بستر اجتماع است. علامه طباطبایی در تفسیر «المیزان» معروف را ناظر بر اموری می‌داند که در شریعت و عقل مورد تأیید و موجب اصلاح فرد و جامعه‌اند.^۳

مفهوم‌شناسی واژه «منکر»

در برابر معروف، «منکر» قرار دارد. «منکر» از ریشه «ن-ک-ر» گرفته شده که به معنای ناشناخته بودن و انکار شده بودن است. در فرهنگ لغت، قرشی در قاموس قرآن تصریح می‌کند که منکر به هر چیزی اطلاق می‌شود که عقل و فطرت آن را رد کند و شرع نیز آن را مذموم شمرده باشد.^۴ همچنین ولدبیگی در ترجمه المفردات می‌نویسد که: «المنکر هو ما قبحه الشرع والعقل»؛ یعنی منکر آن چیزی است که عقل و شرع آن را زشت و ناپسند بدانند.^۵

^۱ ابن فارس، مقاییس‌اللغه، ج ۲، ص ۶۳۴

^۲ راغب اصفهانی، مفردات، ص ۶۱۷

^۳ طباطبایی، المیزان، ج ۴، ص ۳۳۸

^۴ قرشی، قاموس قرآن، ج ۶، ص ۲۹۳

^۵ ولدبیگی، ترجمه المفردات، ص ۴۷۶

در عرف اسلامی و اجتماعی، «منکر» شامل تمام افعال، گفتار و رفتارهایی است که بر خلاف ارزش‌های دینی، اخلاقی و انسانی باشد. ترک عبادات واجب، ارتکاب گناه، ظلم به دیگران، و هر نوع انحراف اخلاقی و اجتماعی در این دسته جای می‌گیرند. منکر، عنصر تهدیدکننده‌ای برای سلامت فرد و جامعه به شمار می‌رود.

مجلسی در بحارالانوار منکر را مظهر انحراف از مسیر هدایت می‌داند و تاکید می‌کند که نادیده‌انگاری آن توسط جامعه، زمینه‌ساز انحطاط اخلاقی و اجتماعی می‌شود.^۱

مفهوم‌شناسی واژه «اخلاق»

واژه «اخلاق» از ریشه «خ-ل-ق» است که به معنای «سرشت» و «طبیعت» آمده است. در لغت، اخلاق به مجموعه‌ای از صفات درونی و رفتارهای پایدار در انسان گفته می‌شود. ابن فارس در مقاییس‌اللغه می‌نویسد: «خلق» اشاره به هیئت و ساختاری دارد که چه ظاهری باشد و چه باطنی، شخصیت فرد را شکل می‌دهد.^۲

راغب اصفهانی نیز اخلاق را «حالتی» می‌داند که در جان انسان استقرار یافته و منشأ افعال بدون نیاز به فکر و تأمل می‌شود.^۳

در علم اخلاق، اخلاق به مجموعه‌ای از صفات نفسانی و رفتارهایی اطلاق می‌شود که انسان با آن شناخته می‌شود و به صورت پایدار از او سر می‌زند؛ خواه نیک باشد یا ناپسند. در متون دینی، اخلاق نیکو نشانه ایمان، و اخلاق زشت زمینه‌ساز مفاسد فردی و اجتماعی است.

مطهری در نظام حقوق زن در اسلام اشاره می‌کند که ریشه بسیاری از مشکلات خانوادگی، از جمله طلاق و خشونت، در ضعف اخلاق فردی و جمعی نهفته است.^۴

همچنین، در نگاه قرآنی، اخلاق نیکو اصل بنیادینی در روابط خانوادگی، اجتماعی و تربیتی است. قرآن کریم با تعبیری چون «خلق عظیم» برای پیامبر اسلام، اهمیت جایگاه اخلاق را تبیین می‌کند.

^۱ مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۳۴۱

^۲ ابن فارس، مقاییس‌اللغه، ج ۲، ص ۳۷۲

^۳ راغب اصفهانی، مفردات، ص ۳۰۵

^۴ مطهری، نظام حقوق زن، ص ۱۲۱

گناه را کنار بگذارند. گناه، پیش و بیش از اینکه بخواهد برای دیگران عوارضی داشته باشد بالاترین عارضه‌اش نصیب شخص گناهکار خواهد شد.

۳,۴. افزایش نارضایتی، تنش و احتمال فروپاشی خانواده

یکی از مهم‌ترین پیامدهای ترک فریضه امر به معروف و نهی از منکر در محیط خانواده، افزایش تدریجی نارضایتی‌های عاطفی، شکل‌گیری تنش‌های مزمن و در نهایت، فروپاشی ساختار خانواده است. در بسیاری از موارد، سکوت در برابر رفتارهای اشتباه و چشم‌پوشی از خطاهای مکرر، به‌جای حفظ آرامش، زمینه‌ساز شعله‌ور شدن تعارضات پنهان می‌شود. این سکوت، گرچه در ظاهر نشانی از مدارا و مصلحت‌اندیشی دارد، در باطن می‌تواند به انباشت هیجانات منفی و شکل‌گیری یک فروپاشی خاموش منتهی شود.

در نگاه اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر، نه تنها فریضه‌ای اجتماعی، بلکه ضرورتی خانوادگی برای استحکام روابط اخلاقی و معنوی است. تذکر خیرخواهانه و مسئولانه در برابر رفتارهای نادرست، ابزار اصلاح و پیشگیری از انحراف است. اگر این ابزار در فضای خانواده کنار گذاشته شود، اعضای خانواده رفته‌رفته نسبت به هم بی‌تفاوت می‌شوند و این بی‌تفاوتی، بنیان محبت و انس را سست می‌کند.

صافی گلپایگانی با تأکید بر این حقیقت که «امر به معروف، راه اصلاح و تضمین سلامت جامعه است» یادآور می‌شود که خانواده، به‌عنوان کوچک‌ترین نهاد اجتماعی، بیش از هر جای دیگر نیازمند تداوم اصلاح‌گری است.^۱

در چنین فضایی، ترک تذکر به رفتار نادرست، ممکن است آرامشی ظاهری ایجاد کند، اما این سکوت، اغلب به مثابه تعویق بحران است. نارضایتی‌ها انباشته می‌شوند، سوءتفاهم‌ها عمق می‌یابند و فقدان اصلاح رفتاری، روابط را به سمت سردی و فاصله سوق می‌دهد. مطالعات نشان می‌دهد که بسیاری از اختلافات جدی میان همسران، ناشی از "سکوت‌های انباشته" در گذشته است که در زمان خود می‌توانست با گفت‌وگویی صادقانه و دوستانه، برطرف شود.^۲

^۱ صافی گلپایگانی، راه اصلاح، ص ۳۳

^۲ حاجی ده‌آبادی، بررسی فقهی آسیب‌های اجتماعی، ص ۱۳۸

از منظر اجتماعی نیز، پژوهش‌ها حاکی از آن‌اند که خانواده‌هایی که سازوکار اصلاح درون‌زا دارند، در برابر فشارهای بیرونی و درونی، مقاومت بیشتری دارند. این خانواده‌ها، گرچه ممکن است تعارضاتی تجربه کنند، اما با گفت‌وگو، تذکر سازنده، و پذیرش متقابل، راه‌حل‌های پایدار برای مشکلات می‌یابند. ولدی در بررسی خود پیرامون «پیشگیری از جرم در آموزه‌های اسلامی» تأکید می‌کند که خانواده‌هایی که فضای اصلاح‌گری مستمر را حفظ می‌کنند، کمتر در معرض فروپاشی قرار می‌گیرند، زیرا توانایی پیشگیری و مدیریت بحران را در خود نهادینه کرده‌اند.^۱

از سوی دیگر، نظری‌زاده و خلیلیان در پژوهشی با عنوان تأثیر رسانه در مقبولیت امر به معروف نشان می‌دهند که حتی ابزارهای بیرونی مانند رسانه، زمانی کارآمد هستند که فرهنگ اصلاح‌گری در خانواده وجود داشته باشد. این فرهنگ، زمینه را برای ابراز نارضایتی در قالب سازنده و نه مخرب، مهیا می‌سازد و از تجمع هیجانات منفی و خشونت در روابط جلوگیری می‌کند.^۲

در نقطه مقابل، خانواده‌هایی که در آن امر به معروف و نهی از منکر جایگاهی ندارد، به‌مرور دچار گسست درونی می‌شوند. این گسست، الزاماً به طلاق رسمی نمی‌انجامد، اما نشانه‌های واضحی از فروپاشی روانی دارد: بی‌تفاوتی همسران به یکدیگر، نارضایتی‌های پنهان، فرار از گفت‌وگو، انزوا، و در نهایت، زندگی سرد و بی‌روح. موحدی در مقاله‌ای پیرامون راهبردهای رسانه‌ای انس با قرآن، این وضعیت را «طلاق عاطفی» نام نهاده و آن را خطرناک‌تر از طلاق حقوقی معرفی می‌کند، چرا که در این حالت، نهاد خانواده از درون دچار پوسیدگی می‌شود، بی‌آنکه بیرونی‌ترین نشانه‌های آن آشکار باشند.^۳

این نوع گسست، به‌ویژه زمانی تشدید می‌شود که یکی از همسران رفتارهای نامناسبی از خود بروز دهد و دیگری به‌دلایل مختلف چون ترس، خستگی، بی‌انگیزگی یا تصور بی‌فایده بودن، از تذکر خودداری کند. چنین بی‌تفاوتی‌ای ممکن است در ابتدا به نفع آرامش ظاهری تعبیر شود، اما در واقع زمینه‌ساز بی‌احترامی بیشتر، نادیده گرفتن مرزها و تکرار خطاها خواهد شد. رفیع‌پور در تحلیل جامعه‌شناختی خود به این نکته اشاره دارد که خانواده‌هایی که از امر به معروف تهی شده‌اند، گرایش

^۱ ولدی، پیشگیری از جرم در آموزه‌های اسلامی، ص ۳۵

^۲ نظری‌زاده، تأثیر رسانه در مقبولیت امر به معروف، ص ۲۹۵

^۳ موحدی، راهبردهای رسانه‌ای انس با قرآن، ص ۴۲

به «سکوت ساختاری» دارند؛ سکوتی که تنها در ظاهر آرامش است و در حقیقت، گسل خاموشی برای فروپاشی آینده است.^۱

مسأله دیگری که در کنار ترک امر به معروف شکل می‌گیرد، نبود سازوکار گفتگوست. در خانواده‌هایی که تذکر سازنده جای خود را به سکوت داده است، فرهنگ گفتگو نیز تضعیف می‌شود. افراد از بیان احساسات و خواسته‌های خود پرهیز می‌کنند، زیرا تجربه‌های گذشته به آن‌ها نشان داده که هیچ نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود. این پدیده به تدریج ارتباطات میان اعضا را به سطحی سطحی و غیرشفاف می‌کشد و در نتیجه، اعتماد و صمیمیت کاهش می‌یابد.

اما در نقطه مقابل، می‌توان از تذکر به‌عنوان ابزاری برای پیشگیری از فروپاشی استفاده کرد؛ مشروط بر اینکه به‌درستی، با نرمی، و از موضع خیرخواهی انجام شود. امام علی (ع) می‌فرماید: «لَا خَيْرَ فِي قَوْمٍ لَا يَتَنَاصَحُونَ، وَلَا خَيْرَ فِي قَوْمٍ لَا يُحِبُّونَ النَّصَحَ»؛ خیر در قومی نیست که یکدیگر را نصیحت نکنند و خیر در قومی نیست که نصیحت را نپذیرند.^۲ این اصل در فضای خانوادگی نیز حاکم است و باید با تقویت فرهنگ اصلاح‌گری و پذیرش نقد سازنده، از انباشته شدن خطاها و بروز نارضایتی‌های پنهان پیشگیری کرد.

نتیجه‌گیری

امر به معروف و نهی از منکر، اگرچه غالباً به‌عنوان فریضه‌ای اجتماعی در فضای عمومی شناخته می‌شود، اما در حقیقت، ریشه‌ای عمیق در ساختار و پویایی خانواده دارد. این فریضه، نه تنها ابزاری برای هدایت جامعه، بلکه روشی مؤثر برای تربیت درون‌خانوادگی، اصلاح رفتارهای فردی، و تقویت بنیان‌های اخلاقی روابط نزدیک است. در بستر خانواده، ترک این مسئولیت اخلاقی موجب پدید آمدن فضایی از بی‌تفاوتی، تساهل در برابر ناهنجاری‌ها، و سستی در باورهای دینی می‌شود که در نهایت، بنیان عاطفی و روانی خانه را متزلزل می‌سازد.

هنگامی که اعضای خانواده از خیرخواهی متقابل، تذکر سازنده، و واکنش اصلاح‌گرانه نسبت به خطاهای یکدیگر دست می‌کشند، به تدریج آسیب‌هایی مانند کاهش اعتماد متقابل، تضعیف

^۱ رفیع‌پور، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ص ۱۰۸

^۲ مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۴۲۰

مرجعیت والدین، افزایش فاصله‌گیری‌های عاطفی، و حتی فروپاشی روانی و عینی خانواده بروز می‌یابد. در چنین فضایی، فرزندان نه تنها الگوی صحیحی برای زندگی اخلاقی نمی‌آموزند، بلکه حساسیت خود را نسبت به خوب و بد از دست می‌دهند و در برابر ناهنجاری‌ها منفعل می‌مانند. این مقاله نشان داد که اجرای خردمندانه و محبت‌آمیز امر به معروف در خانواده، عاملی کلیدی در پیشگیری از بحران‌ها، حفظ صمیمیت، تقویت اقتدار اخلاقی والدین و رشد تربیت اخلاقی فرزندان است. بنابراین، ضروری است تا خانواده‌ها بازاندیشی‌ای جدی در مورد کارکرد این اصل بنیادین داشته باشند و آن را نه به عنوان ابزار کنترل، بلکه به مثابه راهی برای رشد مشترک، گفت‌وگوی اخلاقی، و مراقبت دلسوزانه بازتعریف کنند. بازگشت به فرهنگ اصیل اصلاح‌گری در فضای خانه، نه تنها از آسیب‌های اجتماعی گسترده‌تر جلوگیری خواهد کرد، بلکه در درازمدت، موجب تقویت سرمایه اخلاقی جامعه و ثبات روابط انسانی خواهد شد.

فهرست منابع و مآخذ

قرآن کریم

۱. ابن فارس، ا. (۱۴۰۴ق). مقاییس اللغة. قم: دارالفکر.
۲. ابراهیمی، ز. (۱۳۹۸). راهکارهای تقویت نقش خانواده در جامعه اسلامی. فصلنامه مطالعات خانواده اسلامی.
۳. راغب اصفهانی، ح. (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ قرآن. بیروت: دارالعلم.
۴. رفیع‌پور، ف. (۱۳۸۷). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی. تهران: کیهان.
۵. ستوده، ن. (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی اجتماعی در ایران معاصر. تهران: نشر جامعه.
۶. غفاری‌فر، م. (۱۳۹۰). نظارت و کنترل اجتماعی در اسلام و غرب. قم: بوستان کتاب.
۷. قرشی، ع. (۱۳۷۱ش). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۸. کلینی، م. (۱۳۸۵ش). اصول کافی. قم: دارالحديث.
۹. مجلسی، م. (۱۴۰۳ق). بحارالانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۰. محلاتی، م. (۱۳۹۲). نصیحت ائمه مسلمین در نهج‌البلاغه. تهران: دارالحديث.
۱۱. مطهری، م. (۱۳۶۸). نظام حقوق زن در اسلام. تهران: صدرا.

۱۲. منوچهری، ح. (۱۳۹۳). نقش امر به معروف و نهی از منکر در اصلاح جامعه. قم: پژوهشگاه علوم اسلامی.
۱۳. موحدی، م. (۱۴۰۰). راهبردهای رسانه‌ای انس با قرآن. تهران: سمت.
۱۴. نظری‌زاده، ح. (۱۳۹۶). تأثیر رسانه در مقبولیت امر به معروف و نهی از منکر. تهران: دانشگاه صدا و سیما.
۱۵. صافی گلپایگانی، ل. (۱۳۸۲). راه اصلاح. قم: دارالکتب الاسلامیه.
۱۶. سیوطی، ج. (۱۴۱۴ق). الدر المنثور فی تفسیر المأثور. بیروت: دارالفکر.
۱۷. طباطبایی، س. (۱۳۷۴ش). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۸. حاجی ده‌آبادی، ا. (۱۴۰۲). بررسی فقهی آسیب‌های اجتماعی در جامعه اسلامی. قم: مؤسسه فقاہت و تمدن.
۱۹. حر عاملی، م. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة. قم: مؤسسه آل‌البیت.
۲۰. ولدبیگی، م. (۱۳۸۰). ترجمه و شرح مفردات راغب. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۱. ولدی، ع. (۱۳۹۱). پیشگیری از جرم در آموزه‌های اسلامی. قم: نشر معارف.